

بررسی تاریخ انقلاب اکتبر ، ساختمان سوسیالیسم در شوروی آنطور که بوده
و نه آنطوری که امپریالیست ها جعل و تحریف کرده اند

(16)

توطئه بزرگ علیه اتحاد جماهیر شوروی

مایکل سیرز- آلبرت کان

کتاب سوم : ستون پنجم در روسیه

برگردان : الف نسیم

آخرین شانس

جنگ دوم جهانی که طبق پیش بینی‌های ترترسکی، قرار بود در سال ۱۹۳۷ جهت حمله بر علیه اتحاد جماهیر شوروی باشد، گریبانگیر اروپا شده بود. بعد از اشغال حبشه توسط موسولینی وقایع به سرعت تکامل یافته بودند.

هیتلر در ماه مه 1936 منطقه‌ی راین لند (Rheinland) را اشغال کرد

در ژوئیه افسران فاشیست در اسپانیا بر علیه دولت جمهوری خواهان، کودتا کردند. آلمانی‌ها و ایتالیایی‌ها، تحت نام "مبارزه با بلشویسم" و "عقب راندن انقلاب کمونیستی" سربازان خود را برای پشتیبانی از افسران کودتاگر به اسپانیا فرستادند. رهبر فاشیست‌های اسپانیایی، ژنرال فرانسیسکو فرانکو به سمت مادرید پیشروی کرد. ژنرال فاشیست کیوینپو دی لانو (Queipo de Llano)، سرمست از این پیشروی، با لاف زنی می گفت: "چهار ستون نظامی در حال پیشروی به سمت مادرید هستند"، و "پنجمین ستون در داخل شهر منتظر ما هستند." و این اولین بار بود که جهان واژه‌ی شوم "ستون پنجم" را میشنید.

در آن زمان ۱۹۳۶-۱۹۳۷ که نیروهای فاشیستی از فرانکو حمایت میکردند، آندریاس نین، (Andreas Nin) رهبری سازمانی دست چپی تندرو، و ترترسکیستی بنام "حزب اتحاد مارکسیستی کارگری" (Unificacion Marxista Partido Obrero de) و یا "پی او یو ام" (POUM) را در اسپانیا رهبری میکرد. "پی او یو ام" رسماً ارتباطی با انترناسیونال چهار ترترسکی نداشت. با این حال در این حلقه، ترترسکیست‌های بسیاری وجود داشتند و در رابطه با مسائل مهمی از قبیل شوروی و جبهه‌ی خلق "پی او یو ام" کاملاً با مواضع ترترسکی موافق بودند. وقتی کودتای فرانکو شروع شد، نین، دوست ترترسکی در کاتالون وزیر دادگستری بود. به بهانه‌ی کمک به جریانات ضد فاشیستی ، سازمان "پی او یو ام" نین، تبلیغات شدیدی را بر علیه دولت جمهوری خواه اسپانیا براه انداخته بود. در آغاز این چنین به نظر می آمد که فعالیت‌های مبارزاتی نین، ماهیتی "سیاسی" داشت، چرا که اعضای "پی او یو ام" در جریان مباحثاتشان از واژه‌ها و دلایل "انقلابی" بر علیه دولت اسپانیا استفاده میکردند. اما وقتی "پی او یو ام" در تابستان بحرانی ۱۹۳۷ یک شورش ناموفق را در بارسلون در پشت جبهه سربازان دولتی به نمایش گذاشتند، و بعد آن را به عنوان " اتخاذ یک سیاست قاطعانه برای سرنگونی دولت" توجیه کردند، این کاملاً آشکار شد که نین و دیگر اعضای رهبری "پی.او.یو.ام" در واقع جاسوسان فاشیست‌ها بودند که با فرانکو همکاری میکردند، و یک رشته اقدامات خرابکارانه، جاسوسی و عملیات تروریستی را بر علیه دولت اسپانیا سازماندهی کرده بودند.

در ۲۳ اکتبر ۱۹۳۷ رئیس پلیس بارسلون، سرهنگ بوریلو (Burillo)، توطئه‌های "پی.او.یو.ام" را که در کاتالون افشاء شده بود، با جزئیات کامل شرح داد. یادداشت‌های سری که توسط پلیس بارسلون مصادره شده بود، نشان میداد که چگونه "پی او یو ام" به صورتی گسترده به

نفع فاشیست‌ها جاسوسی میکرده، که چگونه مانع رسیدن مواد مورد نیاز ارتش جمهوریخواه اسپانیا شده و این که آنها در انجام ماموریت‌های نظامی در جبهه‌ها کار شکنی کرده بودند. "حملات به رهبران بلند پایه‌ی ارتش خلق در دست بررسی است"، سرهنگ بوریلو در ادامه‌ی گزارش خود عنوان کرده بود که، "ما نقشه‌های طرح شده برای ترور یکی از وزرای جمهوری خواه را کشف کرده‌ایم".

وقتی هیتلر در ۱۲ سپتامبر ۱۹۳۶ در نورنبرگ در کنگره‌ی حزب نازی‌ها، برای هزاران نفر از هواداران خود سخنرانی کرد، به صورتی آشکار قصد خود را برای حمله به شوروی اعلام کرد. هیتلر فریاد کشید: ما کاملا آماده‌ایم! من نمیتوانم دولت‌های فاسد را بیرون از در خانه‌ی خودم تحمل کنم! من اگر مالک کوه‌های اورال با معدن‌ها و مواد خامش، سیبری با جنگل‌ها و اوکراین با گندم زارهای وسیعش بودم، آلمان و دیگر "ناسیونال سوسیالیست‌ها" می توانستند در ناز و نعمت زندگی کنند.

در ۲۵ نوامبر ۱۹۳۶ وزیر امور خارجه‌ی آلمان ریبن تروپ و سفیر ژاپن ام. موسهاکونی موافقتنامه‌ی اتحاد ضد کمینترن را در برلین امضاء کردند و به هم ضمانت دادند که تمام نیروهای خود را بر علیه "بلشویسم جهانی" سازماندهی کنند.

با آگاهی کامل از هر چه نزدیک شدن خطر جنگ، دولت شوروی ناگهان ضد حمله‌ای را بر علیه‌ی جریان‌ات ضد انقلابی در داخل کشور آغاز کرد. طی بهار و تابستان ۱۹۳۶ دولت شوروی به صورتی ناگهانی دست به پاکسازی نیروهای ضد انقلاب در سطح کشور زد. در این میان ارگان‌های دولت شوروی، جاسوسان نازی، ترتسکیست‌ها و رهبران دست راستی را سرکوب کردند. در سیبری، امیل استیکلینگ (Emil Stickling)، جاسوس نازی‌ها، به جرم این که، با همکاری آلکسی شستوف (Alexei Schestow) و ترتسکیست‌های دیگر، فعالیت‌های خرابکارانه را در معادن کمروو (Kemerowo)، سازماندهی کرده بود، دستگیر شد. در لنینگراد یک جاسوس دیگر نازی‌ها به نام والنتین اولبرگ (Valentin Olberg)، دستگیر شد. او فقط جاسوس نازی‌ها نبود، او یکی از ماموران مخفی ترتسکیست‌ها نیز بود. او با فریتز داوید، ناتان لوری، کونون برمان - یورین و دیگر تروریست‌ها در ارتباط بود. یکی پس از دیگری رهبران اولین "لایه"ی توطئه گران دستگیر شدند. یک پیغام سری که ایوان اسمیرنوف برای هواداران خود به بیرون از زندان قاچاق کرده بود، توسط ماموران دولت شوروی کشف شد. تروتسکیست‌های تروریست، افرایم درایتسر و سرگی مراچکوفسکی دستگیر شدند.

توطئه گران روسی را وحشت شدیدی فرا گرفته بود اکنون همه چیز برای کمک، به یک حمله از خارج مربوط میشد. و در ضمن تلاش‌های یاگودا هم برای ایجاد مانعی بر سر راه تحقیقات رسمی بیرحمانه تر میشد.!

یکی از افراد یاگودا، مامور - "ان.ک.وی.دی." به نام بوریسوف، به صورتی ناگهانی به مقر تحقیقات مخصوص در اسمولنی در لنینگراد، برای بازجویی احضار شد. او نقشی مهم در جریان آماده کردن شرایط برای قتل کیروف بازی کرده بود. یاگودا با ناامیدی کامل عکس العمل نشان داد: بوریسوف در مسیر اسمولنی در یک "تصادف" اتوموبیل کشته شد.

مرگ یک شاهد، مشکلی را حل نمیکرد. تحقیقات رسمی ادامه پیدا کرد. هر روز اخبار جدیدی از دستگیری‌های جدید گزارش میشد. ارگان‌های مختلف اتحاد جماهیر شوروی تکه به تکه اجزای این مکانیسم بغرنج قتل و خیانت را بهم مرتبط می نمودند. در ماه اوت تقریباً تمام اعضای رهبری بخش روسی تروریستی ترتسکیستی - زینویفی مرکز، دستگیر شدند. دولت شوروی اعلام کرد که به وسیله‌ی تحقیقات در مورد ترور کیروف به مدارک تازه و تکان دهنده‌ای دست پیدا کرده است. کامنف و زینویف دوباره در مقابل دادگاه قرار گرفتند.

جریان محاکمه در ۱۹ اوت ۱۹۳۶ در سالن اکتبر در خانه‌ی اتحادیه‌ی های صنفی در مسکو توسط دادگاه عالی نظامی شوروی آغاز شد. زینویف و کامنف از زندانی که در آن بخاطر جرائمی که قبلاً مرتکب شده بودند، احضار گردیدند، این بار همراه با ۱۴ نفر دیگر از شرکای خود، به اتهام

خیانت به کشور در مقابل هیئت داوران قرار گرفتند. رهبر سابق گارد ترترسکیست‌ها، ایوان اسمیرنوف، سرگنی مراچکوفسکی و افرایم درایتسر، منشی زینویف، گریگوری یودوکیموف و همکار او ایوان باکایف و پنج نفر از جاسوسان تروریست و مخصوص ترترسکی، فریتز داوید، ناتان لوری، موشه لوری، کونون برمان - یورین و والننتین اولبرگ از جمله متهمان بودند.

جریان دادگاه - یکی از اولین دادگاه‌های معروف به "دادگاه‌های مسکو" - منجر به افشاء و از هم پاشیدن بخش اول توطئه گران تروریست مرکز گردید. و هم زمان نشان داد که توطئه‌های جاری بر علیه اتحاد جماهیر شوروی بسیار وسیع تر از آن بود که تصور میشد و نیروهای پر قدرت دیگری بجز متهمان در دادگاه - ترترسکیست‌ها و زینویف‌یست‌ها - در آن شرکت داشتند.

در جریان دادگاه، مردم برای اولین بار به عمق رابطه‌ای که میان ترترسکی و رهبران آلمان نازی به وجود آمده بود، پی بردند. وقتی دادستان روسی، آ. جی. ویشینسکی، ترترسکیست آلمانی والننتین اولبرگ را که شخصا از طرف ترترسکی به شوروی فرستاده شده بود، در دادگاه بازجویی کرد، حقایق تازه و غیر منتظره‌ای افشاء شد:

- « - ویشینسکی: چه اطلاعاتی از فریدمن (Friedmann) دارید؟
- اولبرگ: فریدمن از اعضای ترترسکیست‌ها در برلین بود که به شوروی فرستاده شد.
- ویشینسکی: می دانستید که فریدمن در رابطه با سازمان جاسوسی آلمان بود؟
- اولبرگ: در این مورد چیزهایی شنیده‌ام.
- ویشینسکی: ترترسکیست‌های آلمانی و پلیس آلمان با هم ارتباط دائمی داشتند؟
- اولبرگ: بله، آنها با موافقت ترترسکی در ارتباط دائم با هم بودند.
- ویشینسکی: از کجا اطلاع دارید که آنها با آگاهی و موافقت ترترسکی با هم ارتباط داشتند.
- اولبرگ: من خودم یکی از این ارتباطات بودم و این ارتباط به دستور ترترسکی برقرار شد.
- ویشینسکی: ارتباط شما با کی؟
- اولبرگ: با پلیس مخفی و فاشیستی
- ویشینسکی: در نتیجه میشود گفت که شما اعتراف می کنید که با گشتاپو در تماس بودید؟
- اولبرگ: من این را انکار نمی کنم. سال ۱۹۳۳ ارتباطات منظمی میان ترترسکیست‌های آلمانی و پلیس فاشیست آلمان سازماندهی شد. »

او برای دادگاه توضیح داد که او از چه طریقی پاسپورت قلابی آمریکای جنوبی را که به وسیله آن به شوروی آمده بود، تهیه کرده بود. او گفت پاسپورت را با کمک برادرش از عامل پلیس آلمان توکالوسکی (Tukalewskis) در پراگ گرفته بود.

- ویشینسکی: برادر شما با گشتاپو تماس داشت؟
- اولبرگ: او مأمور توکالوسکی بود.
- ویشینسکی: یک عامل پلیس فاشیستی؟
- اولبرگ: بله.
- پیک مخفی ترترسکی، اولبرگ ناتان لوری در دادگاه گفت که به او، قبل از ترک آلمان، دستور داده شده بود که پس از ورود به شوروی با مهندس ساختمان، فراننتس وایتز (Franz Weitz) تماس بگیرد.

- ویشینسکی: فراننتس وایتز کیست؟
- لوری: فراننتس وایتز از اعضای حزب ناسیونال سوسیالیست بود. او از طرف هیملر که در آن زمان رهبر اس.اس و بعد ریاست گشتاپو را به عهده گرفت، به شوروی فرستاده شده بود.
- ویشینسکی: فراننتس وایتز نماینده هیملر بود؟
- لوری: فراننتس وایتز از طرف هیملر برای انجام ماموریت‌های خرابکاری به شوروی فرستاده شده بود.

اما ابتدا با شهادت کامنف بود که رهبران بلوک راست و ترسکیست‌ها هر چه بیشتر در تنگنا قرار گرفتند. کامنف افشاء کرد که این دستگاه توطئه شامل دو بخش دیگر میشود.

- ما می دانستیم که امکان داشت که روزی بعضی چیزها برملا شود، بدین منظور گروه کوچکی را برای ادامه‌ی عملیات تروریستی سازماندهی کردیم.

برای انجام این ماموریت ما سوکولنیکوف را انتخاب کردیم. ما به این نتیجه رسیدیم که سربریاکف (Serebrjakow) و رادک از طرف ترسکیست‌ها میتوانند با موفقیت این ماموریت را انجام دهند. طی سال‌های 1932، 1933 و 1934 من شخصا در ارتباط با تومسکی و بوخارین بودم و در مورد مواضع سیاسی آنها تحقیق میکردم. آنها از طرفداران ما بودند. وقتی من از تومسکی در مورد شیوه‌ی تفکر ریکف سؤال کردم، او جواب داد: "ریکف مثل شما فکر میکند". در جواب سؤال من در مورد عقاید بوخارین، او جواب داد: "بوخارین مثل من فکر میکند ولی از روش دیگری استفاده میکند، او با خط حزب موافق نیست، اما لجوجانه این روش را دنبال میکند که خودش را در حزب جا بزند و سعی میکند که نظر و اعتماد رهبری را به خودش جلب کند".

تعدادی از متهمان طلب بخشش کردند. و تعدادی هم تسلیم قضا و قدر شدند. رهبر قدیمی گارد ترسکیست‌ها افرایم درایتس گفت: اما الان که ما در اینجا به عنوان قاتل ایستاده‌ایم، همه مثل هم هستیم. من در هر حال یکی از آنها هستم که حق ندارد تقاضای بخشش بکند. وقتی به فریتز تروریست، برای آخرین بار شانس حرف زدن داده شد، گفت: لعنت به ترسکی! من این مرد را که زندگی مرا به روز سیاه نشانید و مرا وادار به انجام این جنایت نابخشودنی کرد، لعنت میکنم!

در بعد از ظهر ۲۳ اگوست، دادگاه عالی نظامی اتحاد جماهیر شوروی حکم خود را صادر کرد. زینویف، کامنف و اسمیرنوف و ۱۳ نفر دیگر از اعضای سازمان ترسکیست - زینویفی به جرم خیانت به کشور به تیرباران محکوم شدند.

یک هفته بعد پیاتاکف، رادک، سوکولنیکف و سربریاکف دستگیر شدند. در ۲۷ سپتامبر یاگودا از سمت خود به عنوان رئیس "ان.ک.وی.دی." برکنار شد.

جانشین او "ان. ای. یسیو" شد که در آن زمان ریاست کمیته‌ی مخصوص تحقیقات حزب بلشویک‌ها را بر عهده داشت. یک روز قبل از ترک دفتر خود در ان ک وی دی، یاگودا برای آخرین بار با تلاش مذبحانه‌ای سعی کرد که جانشین خود، یسیو را با دادن زهر مسموم کند. اما در انجام این کار ناموفق ماند.

ساعت‌های سرنوشت ساز زندگی توطئه گران روسی فرا رسیده بود. رهبران دست راستی‌ها، بوخارین، ریکف و تومسکی هر روز منتظر این بودند که دستگیر بشوند. آنها بدون این که منتظر جنگ بشوند خواستار اقدامی فوری شدند. تومسکی رهبر وحشت زده‌ی سندیکاها و عضو بلوک دست راستی‌ها، پیشنهاد حمله‌ای فوری و مسلحانه به کرملین را داد. این پیشنهاد خطرناک مورد قبول واقع نشد. نیروی لازم برای انجام این ماموریت خطرناک، وجود نداشت.

در آخرین جلسه، با شرکت دست راستی‌ها و رهبران اصلی بلوک ترسکیست‌ها، درست قبل از دستگیری پیاتاکف و رادک، تصمیمی مبنی بر انجام یک کودتای دولتی گرفته شد. سازماندهی کودتای دولتی و رهبری تمام عملیات توطئه گرانه، تماما بر عهده معاون کمیسر خارجی نیکلای کرسینسکی گذاشته شد. کرسینسکی به اندازه دیگران شناخته شده نبود و احتمال اینکه مورد سوء ظن قرار بگیرد بسیار کم بود و در ضمن هنوز ارتباط بسیار نزدیکی با ترسکی و آلمانی‌ها داشت. او هنوز می توانست به فعالیت‌های خود ادامه بدهد، حتی اگر بوخارین و ریکف و تومسکی دستگیر میشدند.

او، آرکادی روزنگولتس را که سال‌ها با سمت نماینده‌ی تجارتی اتحاد جماهیر شوروی در برلین کار میکرد و به تازگی از آنجا به مسکو آمده بود، به عنوان جانشین و نزدیک ترین همکار خود انتخاب کرد. روزنگولتس، مردی بلند قامت و عضلانی، با پوست و موئی سفید، که در پست‌های مهمی در دستگاه دولتی اتحاد جماهیر انجام وظیفه کرده بود و در ضمن توانسته بود با ظرافت کامل

رابطه‌ی خود با تریتسکیست‌ها مخفی نگه دارد. فقط تریتسکی و کرسستینسکی از نقش او به عنوان تریتسکیست و جاسوس مزدور سازمان جاسوسی آلمان بعد از سال ۱۹۲۳ اطلاع داشتند. روزنگولتس به عنوان فرماندهی ارتش سرخ در جنگ مداخله گرانه انجام وظیفه کرده بود. پس از جنگ، او با سمت نماینده تجاری در سفارت اتحاد جماهیر شوروی به برلین فرستاده شده بود. در سال ۱۹۲۳ ارتباط او با کمک تریتسکی با سازمان جاسوسی آلمان برقرار شد. در ازای پولی که صرف فعالیت‌های غیر قانونی تریتسکیست‌ها میشد، روزنگولتس اطلاعات نظامی در مورد نیروی هوایی روسیه؛ اطلاعاتی که تریتسکی با سمت کمیسر جنگی به آنها دسترسی داشت، را به آلمانی‌ها میداد. روزنگولتس هرگز به صورتی علنی حمایت خود را از اپوزیسیون تریتسکیست‌ها اعلام نکرد. در سال ۱۹۳۴ او از بسونوف پیغامی از تریتسکی مبنی بر این که، "زمان آن فرا رسیده، که او میبایست کمی آشکارتر عمل کرده و در عملیات خرابکاری در حوزه‌ی تجارت خارجی فعالانه تر شرکت کند"، دریافت کرد. روزنگولتس کمیسر تجارت خارجی اتحاد جماهیر شوروی در کمیسیون تجاری در برلین بود. برای مدت کوتاهی او توانست تجارت شوروی را به نفع آلمان نازی و حتی بعدها به نفع ژاپن اداره کند. در آغاز ۱۹۳۶ او به مسکو احضار شد. و از آن زمان به بعد کنترل بلوک دست راستی‌ها و تریتسکیست‌ها مستقیماً در اختیار دو نفر، کرسستینسکی و روزنگولتس، که هر دو از جاسوسان آلمانی‌ها بودند قرار گرفت. پس از یک بحث طولانی آنها به این نتیجه رسیدند که ستون پنجم روسیه، باید آخرین کارت خود را بازی میکرد. این آخرین کارت یک کودتای نظامی بود. و مردی که قرار بود این شورش مسلحانه را رهبری کند، معاون کمیسر دفاعی روسیه، مارشال توخاچنفسکی نام داشت.

* * * * *

بهمن ادیب 2007 05/15